



مسیحیت و تجرد مسیحیت و تجرد

امثال 22:18 ((هرکه زوجه اش را یابد چیز نیکو یافته است و رضامندی خداوند را تحصیل کرده است))

لازم میدانم در ابتدای مقاله بگویم که قصد ندارم تمامی

ابعاد تجرد را توضیح دهم بلکه در این زمینه ابهاماتی در جامعه ایران وجود دارد که برخی آن را برای یک دین الاهی، مضر میدانند، مانند مجرد بودن کشیشان؛ گهگاهی نیز خبر ازدواج پنهانی این اشخاص به گوش میرسد که باعث میشود از جانب جامعه خارج از کلیسا، مسیحیت زیر سوال برود.

تجرد در بین مسیحیان را نمیتوانیم فقط به طبقه کشیشان یا اسقفان نسبت داد بلکه رهبانیت هم در برخی گروههای مسیحی به چشم میخورد؛ بدین جهت لازم است که تجرد هر گروه را به صورت جداگانه از نظر بگذرانیم زیرا هر یک از این گروهها، دلایل خود را دارند!

تجرد در عهد جدید

قبل از شروع باید پاسخ این سوال را بیابیم که آیا تجرد در متن کتاب مقدس یافت میشود یا نه؟ زیرا آنچه که در کتاب مقدس وجود نداشته باشد و بر خلاف امثال 22:18 باشد را بدون تردید نباید جز مسیحیت اصیل دانست. تنها بخشی که در کتاب مقدس با موضوع تجرد روبرو میشویم، اول قرننیاں باب 7 میباشد. متأسفانه به دلیل نحوه ترجمه کتاب مقدس تفسیری، و آشنا نبودن افراد با اصول تفسیر آیات کتاب مقدس گاهی اشخاص با توسل به ترجمه تفسیری، آیه را بطور صحیح درک نمیکند و این باعث میشود که بگویند: کتاب مقدس تجرد را ارج مینهد!!!

لطفاً یک خط بالا و نحوه عنوان کردن مطالب دقت کنید زیرا درک این آیه در این موضوع نهفته است. پولس رسول در اول قرننیاں 1:7 چنین میگوید: ((اما درباره آنچه به من نوشته بودید: مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند))

به جملات و همچنین علائم نگارشی آیه توجه کنید؛ پولس رسول نمیگوید که لمس نکردن زن یا مجرد ماندن نیکو است بلکه او در جواب نامه کلیسای قرننیاں، آنچه آنان گفته بودند را در آیه اول، عنوان میکند و با مواردی که در آیات بعدی متذکر میشود، آن را رد میکند؛ درست مانند بند بالا که در خط آخرش صحبتی که غیر مسیحیان عنوان

میکند را نقل کرده ام. در واقع این پولس نیست که به مجرد ارج مینهد، بلکه کلیسای قرننیا است و پولس آن را مردود میداند.

لیکن خواننده تیزهوش میتواند به آیه 8 استناد کند که پولس میگوید: ((لکن به مجردین و بیوه زنان میگویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند)) پولس رسول فریسی ای بود که نزد بزرگترین معلم شریعت، غمالائیل، علم تورات را گذرانده بود و فریسی، پسر فریسی بود (اعمال رسولان 6:23) بدین جهت میدانست که در تورات، خداوند ازدواج را ممدوح معرفی کرده است و خود خداوند پایه ازدواج را بنا نموده است. پس چرا پولس چنین سخنی میگوید؟ پاسخ این سوال را با توجه به رساله رومیان باب 14 دریافت خواهید کرد.

در رومیان 14 پولس رسول در مورد اختلاف نظرهای احتمالی در بین مسیحیان سخن میگوید و آنها را تشویق میکند که هر یک از آنها، به عقاید افراد دیگر که هدفشان جلال خداست، احترام بگذارند. پولس رسول با داشتن چنین خط فکری ای که از حکمت روح القدس ناشی میشود در پی این است که عقاید خلاف کلام را اصلاح نماید و نظرات شخصی افراد که بر خلاف تورات نمیباشد را تعدیل نماید.

به دو فصل بعد که مراجعه کنیم این موضوع بهتر روشن میشود. پولس رسول در دفاع از خدمتش در اول قرننیا 5:9 چنین میگوید ((آیا اختیار نداریم که خواهر دینی را به زنی گرفته، همراه خود ببریم، مثل سایر رسولان و برادران خداوند و کیفا؟)) در این آیه پولس رسول منطق مخاطبینش را شاهدهی بر حقانیت گفتارش میداند و این نشان دهنده این حقیقت است که پولس ازدواج را منع ننموده بلکه آن را هم به عنوان حق افراد قلمداد میکند با این تفاوت که پولس به میل شخصی خودش، به جهت هدفی که داشت مجرد را اختیار نمود. این احتمال نیز وجود دارد که پولس قبل از ایمانش ازدواج کرده باشد و در زمانی که نامه به قرننیا را مینوشته است، همسرش فوت کرده بوده است.

پس بطور خلاصه فهمیدیم که عهد جدید مجرد را به صورت یک حکم عنوان نکرده است و هیچ مسیحی ای اجباری در مجرد ماندن ندارد، حتی اگر کشیش یا اسقف باشد زیرا میبینیم که پولس از رسولانی سخن میگوید که خواهر دینی را به زنی گرفته اند.

در انجیل متی باب 19 نیز با مباحثه مسیح و فریسیان روبرو میشویم که در مورد ازدواج و طلاق میباشد. زمانی که خداوند مان، عیسی مسیح سنگدلی فریسیان را نمایان میسازد و اراده الهی را برای ازدواج بازگو میکند، حتی شاگردان نیز متعجب میشوند و میگویند: اگر حکم شوهر با زن چنین باشد، نکاح نکردن بهتر است!

عیسی مسیح نیز در ادامه سه دلیل برای مجرد ماندن عنوان میکند و میگوید ، افرادی هستند که مادر زادی دارای غریزه جنسی نیستند و افراد دیگری هستند که « خصی میشوند » و این خصی شدن دلایل مختلفی میتواند داشته باشد که بیماری یکی از آنهاست، و در ادامه میگوید افرادی هم هستند که بخاطر ملکوت خدا مجرد میمانند که برای نمونه میتوان به پولس رسول که در بالا ذکر آن رفت، اشاره نمود.

لیکن توجه داشته باشید که خداوندمان، عیسی مسیح هیچگاه در مورد مجرد ماندن تعلیم نداده است بلکه دلایلی جهت مجرد ماندن برخی اشخاص اشاره کرده است و نیز در اول تیموتائوس 1:4 – 3 پولس رسول در مورد تعلیم غلط اینطور اخطار میدهد ((ولیکن روح صریحا میگوید که در زمان آخر بعضی از ایمان برگشته، به ارواح و تعلیم شیاطین اصغا خواهند نمود به ریاکاری دروغگویان که ضمایر خود را داغ کرده اند ؛ که از مزاجت منع میکنند و حکم مینمایند به احتراز از خوراک هایی که خدا آفرید برای مومنین و عارفین حق تا آنها را به شکرگزاری بخورند)) .

تجرد در بین کشیشان

در نظام کاتولیک که به صورت سلسله مراتب هست ، کشیشان حق ازدواج ندارند اما در کلیسای ارتدوکس که همین سلسله مراتب نیز موجود است، کشیش میتواند ازدواج کند اما به مقامهای بالاتر مانند کاردینال و... نمیتواند ارتقاع پیدا کند. در نظام پروتستان هم هیچ اجباری در مجرد ماندن کشیشان وجود ندارد؛ سوال این است : تجرد در بین کشیشان از چه زمانی آغاز گشت؟

در سال 306 میلادی شورایی در اسپانیا، ناحیه الویر برگزار شد که در آن به مجرد ماندن کشیشان رای داده شد. توجه داشته باشید که قبل از این شورا ، کشیشان مجرد وجود داشتند. قبل از ذکر دلایل تجرد در بین کشیشان غیر پروتستان، لازم میدانم به نکاتی در مورد مبارزه پدران کلیسا ، با انحراف تجرد اشاره نمایم.

کلیسا، در قرون اولیه با بدعتهایی مانند مانویان و ناستیکها روبرو بود که این اشخاص تجرد را یک ارزش معنوی مینداشتند و فرد مجرد بر همتای متاهل خود برتری داشت. از آن رو که اختیار تجرد در بین این گروههای بدعتگزار، اجبار میبود و مخالف کتاب مقدس هم بود پدران در برابر این اشخاص و تاکید افراطی آنان بر تجرد ایستادگی کردند؛ حدود سال 340 میلادی در شورای اسقفان گانگر (gangre) استاتی ها، که پیرو یک فیلسوف نوافلاطونی بودند و این شخص مدتی رئیس مدرسه فلسفی کپدوکیه نیز بود، ایستادند و تعلیم وی را منحرف دانستند .

لیکن دلایلی که کاتولیکها برای مجرد کشیشان دارند از قرار زیر است ؛ آنان ثمر بخش بودن فعالیت‌های کلیسایی کشیشان مجرد را بسیار مفید میدانند اما معتقدند که برای کشیش مجرد این امکان وجود دارد که خودش را کاملاً به صورت یک محبت بی ریا اهدا کند، از این رو که فقط یک هدف برای او وجود دارد و آن هم محبت الاهی میباشد. آنان معتقدند که رسیدگی دقیق به امور اعضای کلیسا، تمام فکر و وقت انسان را به خود اختصاص میدهد بنابراین کشیش مجرد بیشتر میتواند برای خدمتش وقت داشته باشد تا کشیش متاهل. کشیش مجرد از تشکیل خانواده چشم پوشی میکند تا بتواند به بهترین شکل صدها خانواده دیگر را خدمت نماید . مجرد بودن کشیش به معنای چشم پوشی از ازدواج نیست بلکه به معنای خود را وقف خدا کردن است . در مثال ده باکره (متی 25) به روشنی میبینیم که بکارت آنان نتوانست آنان را در ملکوت خدا سهم کند .

رهبانیت

به توسط آتاناسیوس و کتابی که از زندگی آنتونی نوشته است متفق هستیم ، جز اولین اشخاصی که زندگی در بیابان را برای فرار از محیط گناه آلود جامعه انتخاب نموده آنتونی است . اشخاصی که برای تعالی معنوی از ازدواج کناره گیری میکردند و زندگی ای منزوی داشتند را در بین گروه‌های مختلف اعتقادی میتوانیم ببینیم لیکن رهبانیت در کلیسا به طور گسترده در حدود قرن چهارم رو به فزونی نهاد . آتاناسیوس در این خصوص مینویسد: ((حتی در کوهها نیز حجره هایی کوچک یه وجود آمدند و بیابانها توسط راهبان مسکون گشتند. آنان از مردم خود را جدا شده، نام خود را به عنوان شهروندان ملکوت آسمان ثبت کردند.))

به طور خاص میتوان در مورد فرونی رهبانیت این نظر را داشت که اشخاصی که تعهد قوی ای بر قدوسیت داشتند، با نظاره کردن جامعه ای که پایبندی زیادی به ملاکهای اخلاقی ندارد، ناچار خود را از آنها جدا ساختند تا بتوانند زندگی ای پاک داشته باشند.

در سنت کاتولیک و ارتدوکس بکارت رهبانیت با بکارت زناشوئی یعنی پاکدامنی در زناشوئی به یک اندازه دارای اهمیت میباشد و اعتقاد براین است که پولس رسول میفرماید به هر کس عطایی داده شده است . اینکه، مجرد هم جز عطایا میباشد یا نه نمیتوان به طور قاطع پاسخ داد زیرا پولس رسول در رساله اش به تمامی عطایا اشاره نکرده بلکه فهرستی از آنان را جهت انتقال منظور رساله اش بیان نموده است .

با این وجود میتوانیم ملاکی برای تشخیص عطای روحانی داشته باشیم و آن اینکه عطایا جهت بنا و رشد کلیسا داده شده اند و عطایایی هم مانند دعا به زنها هستند که برای بنای شخصی ایماندار هم به کار می آیند . اگر مجرد رهبانیت را عطا بدانین لازم است که به دنبال نکات مثبتی که در آن هست بگردیم. هر یک از ایمانداران میتوانند رهبانیت را پیشه کنند بدون اینکه ثمر روحانی ای برای کلیسا داشته باشد. زندگی جدا از جامعه در بیابان یا مکانهای دور افتاده چه ثمری میتواند برای کلیسا داشته باشد؟

عیسای مسیح نیز با وجود داشتن انسانیت کامل میتوانند ازدواج بکنند لیکن به جهت ملکوت خدا مجرد اختیار کرد! بهتر آن است که به جای انتخاب زندگی در یک دیر از الگوی زندگی عیسی مسیح پیروی کنیم و با وجود بودن در جامعه، در پاکی ای زندگی کنیم که عیسی مسیح زندگی کرد با گناهکاران خورد و آشامید اما مرتکب هیچ گناهی نشد .

عیسی مسیح در موعظه سرکوه چنین عنوان نموده است : ((شما نور عالمید. شهری که برکوهی بنا شود نتوان پنهان کرد و چراغ را نمی افروزند تا آن را زیر پیمانه نهند، بلکه تا بر چراغدان گذارند آنگاه بر همه کسانی که در خانه میباشند روشنایی میبخشد همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند - متی 14:5 - 16))

سخنی کوتاه

با توجه به این نکته که مجرد و رهبانیت در کتب مقدسه مسیحی تاکید نشده است هر یک از افرادی که این یا آن را انتخاب میکنند برای خود دلایلی دارند که به قول پولس رسول در رومیان باب 14 ، یکی روز را برای خداوند نیکو میدانند و دیگری شب را برای خداوند نیکو میدانند، اما درک این موضوع بسیار مهم است که هیچ یک از گروههای مسیحی بهانه آوردن برای مجرد را پسندیده نمیدانند؛ بطور مثال شخصی که در گذشته همسری ناشایست را برگزیده و این انتخاب نادرست سبب شکست عاطفی شده است شایسته نیست که با بدبینی به ازدواج مجدد نگاه کنند و یا اگر مجرد هست با ترس از عدم موفقیت در ازدواج ، مجرد را به بهانه های مختلف اختیار کنند .

Besharat66@yahoo.com

www.kelisajavanan.blogfa.com